

زنان و مردان در کنار هم معارض به شاه (۲۸ آذر ۱۳۵۷)

میشل لیپشتز



۱۵ دقیقه در ۹۰۰ بازدید مخصوص

بررسی وضعیت قانونی کاندیداتوری
زنان در انتخابات ریاست جمهوری

فاطمه شهبازی

پردیس فارابی دانشگاه تهران



سال ۱۳۵۸ قانون اساسی ایران تصویب شد و در سال ۱۳۶۸ بازنگری آن صورت گرفت. در این بازنگری برخی از اصول دستخوش تغییرات جزئی و کلی شد و دو اصل نیز اضافه گردید اما اصل ۱۱۵ قانون اساسی به همان شکل سال ۱۳۵۸ باقی مانده است. آیا با توجه به اصول دیگر قانون اساسی و مقدمه‌ی آن می‌توان متوجه شد که منظور از رجال سیاسی چیست؟ آیا صرفاً شامل مردان می‌شود یا خیر؟ در مقدمه‌ی قانون اساسی و

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ داوطلب شده‌اند، تنها ۴۰ نفرشان زن هستند. بنابراین خانم‌ها بعضاً در انتخابات ریاست جمهوری ثبت‌نام می‌کنند اما تابه‌امروز در جمهوری اسلامی ایران صلاحیت هیچ زنی برای ریاست جمهوری تایید نشده است.

با هر بار نزدیک شدن به بازهی انتخابات ریاست جمهوری، معنای دقیق رجل و مباحث پیرامون آن از گذشته تا به حال مورد توجه قرار گرفته و پس از انتصاب رئیس جمهور جدید مرد این مباحث نیز به فراموشی سپرده می‌شود.

فقه و حقوق دشمنان رجلا های مومن نیستند!

شرایط رئیس جمهور در اصل ۱۱۵ قانون اساسی که سند برتر قانونی در ایران است ذکر شده است. در

از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون حضور کمرنگ و اندک بانوان در بهداشت آوردن جایگاه‌ها و مناصب سیاسی و اجتماعی بهوضوح قابل مشاهده است. چنان که از میان ۵۹۲ نفری که برای

شیعیان و رهبری نیست زیرا در این موارد اسلام قائل به ممنوعیت و محدودیت است. بنابراین موضوع ریاست جمهوری زنان کاملاً خارج از این بحث است. جامعه حقوقی معتقد است که قانون اساسی آگاهانه و عالمانه نگاشته شده است و قانون‌گذار تلاش کرده تمامی الفاظ و واژه‌ها در جای خودشان و به صورت صحیح استفاده شوند. اصولاً در حقوق واژه‌ها با معنای لغوی خودشان کاربردی ندارند و معنای اصطلاحی آن‌ها مدنظر است؛ چنان‌که برخی از اساتید حقوق، علم حقوق را علم اصطلاحات می‌دانند! قانون قاعده‌ای به شکلی تنظیم می‌شود که نیاز به تفسیر مجدد توسط مرجع خود نداشته باشد. هیچ مرجعی تا به امروز رجال را محدود به مردان ندانسته است که شورای نگهبان بخواهد به آن استناد کند. مهم‌تر از همه آن‌که عبارت «رجال» در فرهنگ سیاسی به معنای شخصیت به کار می‌رود و نه جنسیت!

خود نویسنده‌گان قانون اساسی نیز قائل به این نبوده‌اند که واژه‌ی رجال تنها به مردان اختصاص دارد^۴ و حضور زنان را محدود و یا ممنوع نکرده‌اند. قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱ که امروزه دستخوش

بیان می‌دارد که زنان و مردان از حقوق سیاسی برخوردار هستند. اگر بازترین مصدق حقوق سیاسی به عنوان شهروند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن نباشد، پس شامل چه چیزی است؟ جالب آن است که در جدیدترین گزارش مجمع جهانی اقتصاد، کشور ایران بر اساس شاخص‌های نابرابری جنسیتی که یکی از آن‌ها توانمندسازی سیاسی است، از میان ۱۵۳ کشور در رتبه ۱۴۸ قرار گرفته است! اصل بیست و یکم^۵ در تکمیل اصل قبلی اعلام می‌کند که حقوق زنان قانون اساسی باید رعایت بشود. قطعاً قانون اساسی ایران تعارضی با احکام اسلام ندارد. همان‌طور که در اصول مختلف به اجرای احکام اسلام اهتمام ورزیده شده است.

ریاست جمهوری یک مقام مذهبی نیست، بلکه یک مقام سیاسی و اجرایی است و در بسیاری از کشورها وجود دارد. وظایف آن نیز مرتبط با وظایف مرجعیت جامعه اسلامی و

^۳ دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
- ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.
- ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

^۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.

^۵- اعطای قیومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

در قسمت‌های مختلف آن باره‌ها و صراحتاً از عبارت زن و مرد کنار هم یا در مقابل هم در موارد متعدد استفاده شده است و هیچ‌گاه واژه‌ای شبیه رجل یا رجال در این قانون وجود نداشته است. هرگاه از واژه‌ی «مردان» استفاده شده، منظور مخاطب قرار دادن جنس مذکر بوده است. در قانون اساسی نیز هرگاه قانون‌گذار منظور جنسیتی دارد، صریحاً و به طور روشن از واژه زن و یا مرد استفاده کرده است. در مقدمه‌ی قانون اساسی و ذیل مبحث خشم ملت از عبارت همبستگی گسترده‌ی مردان و زنان استفاده شده است. اگر نظر قانون‌گذار بر این بود که رجال مساوی با مرد است، آیا باید در اینجا هم از آن استفاده می‌کرد؟ افزون بر این، در موارد متعدد قانون اساسی اعلام می‌دارد که پس از انقلاب اسلامی ایران قرار است زن جایگاه و ارزش‌های مادی و معنوی خود را بازیابد!

اصل سوم قانون اساسی^۶ تامین حقوق همه‌جانبه‌ی افراد، اعم از زن و مرد، (ونه رجل) را بیان می‌کند. اصل بیستم قانون اساسی^۷ نیز

(۱) دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:
.... ۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

(۲) همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

زنان ایرانی در حال رای دهی انتخابات مجلس شورای ملی

تور تبلیغاتی انقلاب سفید (۱۳۴۳)



تفسیر می‌شود و برای تفسیر به قواعدی می‌شود. نگاه فقهای امامیه رجوع می‌شود. نگاه اصولی است و شیعه در اصول و استنباط احکام اسلامی بیشتر نگاه اصولی است و نه نگاه اخباری. این دو نگاه در روش استنباط متفاوت هستند. اخباریون به تقلید و اجتهاد اعتقادی ندارند اما در نگاه اصولی اجتهاد مدنظر است و برای استنباط باید انسان‌ها یا خودشان مجتهد باشند و یا از مجتهد بپرسد. تکیه بر حجت‌ها و

همچنین این شورا هیچگاه نظریه‌ی تفسیری نداده است که مشمولیت رجال را محدود به مردان بکند.

در مشرح مذاکرات قانون اساسی نیز به طور واضح مشخص است که در متن اولیه‌ی قانون اساسی به جای رجال از مردان استفاده شده بوده ولی **وقتی بر سر این واژه بحث شکل می‌گیرد، رجال جایگزین می‌گردد.** چه دلیلی فراتر از این برای اثبات مشمولیت واژه‌ی رجل بر زنان و مردان وجود دارد؟ بنابراین، نظر واقعی قانون‌گذاران قانون اساسی مشخص شده است و این کار به معنای عدول از شرط جنسیت

برای ریاست جمهوری است. با توجه به اصول فقه نیز در مقام تفسیر هر گونه شباهه به نفع استثناء و خلاف اصل تفسیر نمی‌شود، بلکه به نفع قاعده

^۶ اصطلاحی در اصول فقه به معنای هر کاری که از نظر شرعی حرام نباشد یا صرفاً کار مباح شرعی است.

^۷ از ریشه بَوح و بُؤوح به معنی اجازه دادن و در شریعت اسلام از احکام پنج گانه است و در مورد فعلی گفته می‌شود که بر اتیان و ترک آن پاداش و کیفری بار نیست.

^۸ از اصطلاحات علم اصول، به معنای برائت ذمہ مکلف در هنگام شک در حکم شرعی بعد از جستجو و فقدان دلیل شرعی

تغییراتی شده است، ماده واحده‌ای^۵ دارد که در آن آمده: «**قضات از مردان واجد شرایط انتخاب می‌شوند.**» این ماده واحده توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده و شورای نگهبان نیز آن را تایید کرده است. قانون‌گذار می‌توانست در همین ماده واحده هم از واژه‌ی رجال استفاده کند اما قانون‌گذار صریح صحبت کرده که جای تفسیری برای آن باقی نماند و در جایی که قرار بوده است زنان از حضور در مشاغل خاص ممنوع شوند، صریحاً واژه‌ی مردان به کار رفته است. با این حال، حتی در امر قضاویت نیز زنان فعالیت دارند و اوضاع به تدریج رو به بهبودی می‌روند.

جامعه‌ی ایران در زمینه نظر و عمل دچار تعارضی شدید است زیرا به این نتیجه رسیده که در اغلب موارد در موضع واحد، کار خانم‌ها تخصصی‌تر، حرفه‌ای‌تر و دارای ارزشی بالاتر است اما آن را به رسمیت نمی‌شناسند. هیچ‌گاه شورای نگهبان یک تفسیر مکتوب و رسمی از عبارت «رجل نداده است» که چه واضعین این قانون و چه کسانی که امروزه در موضع تفسیر آن هستند، قائل به این نیستند که حتی این عبارت نیاز به تفسیر دارد. خود شورای نگهبان نیز این شباهه را شباهی واردی نمی‌بیند.

^۵ ماده واحده: هنگامی که یک قانون تنها دارای یک ماده باشد، آن ماده را در علم حقوق «ماده واحده» می‌نامند.

کشور ما برای نماینده شدن زنان محدودیتی وجود ندارد. آیا خانمی که در جایگاه مهم وضع قانون قرار می‌گیرد، از اجرای آن ناتوان است؟ با توجه به آن که ریاست جمهوری انفرادی نیست و قطعاً ریس جمهور دارای کابینه خواهد بود.

رجل های زن از رگ گردن به شمانزدیک ترند!

در میان کشورهای همسایه و مسلمان نیز زنانی وجود داشته‌اند که به مقام ریاست جمهوری و نخستوزیری رسیده‌اند و اسلام برای آنان محدودیتی ایجاد نکرده‌است. در کشور اسلامی پاکستان و در سال ۱۹۸۸ و ۱۹۹۳ خامن «بی‌نظیر بوتو» دو دوره به عنوان نخستوزیر این کشور انتخاب شد. نخستوزیری در پاکستان عالی‌ترین مقام این کشور است. حلیمه بنت یعقوب از سال ۲۰۱۷ تا به امروز رئیس جمهور کشور سنگاپور، یکی از قطب‌های اقتصادی دنیا، است. امینه تووه در سنگال دومین زن مسلمان است که در این کشور در سال ۲۰۱۳ در جایگاه نخستوزیری قرار گرفت.

پس پرسشی که باقی می‌ماند آن است که چرا تاکنون کاندیدای زن برای ریاست جمهوری در ایران وجود نداشته است؟ پاسخ شورای نگهبان این است که زنان رانه به دلیل زن بودن بلکه به دلیل فقدان سایر شرایط که در اصل ۱۱۵ قانون اساسی آمده است و باید بر



دلایل عقلی از ایده‌های نگاه اصولی است. در این نگاه اصل بر برائت و جواز است. هرگاه در شباهها بین ممنوعیت و یا جایز بودن و یا بین واجب بودن یا نبودن تردیدی ایجاد شود، باید اصل را بر جواز و عدم التزام قرار داد. پس اصل بر حرمت و محدودیت نیست. تا جایی که متنی و یا یک مرجعی وجود داشته باشد که فقهها را متقدعاً کند که قطعاً هدف منع و ممنوعیت است. روش غالب فقهای امامیه بدین شکل است. پس با توجه به نگاه فقهی اگر در اینجا هم حتی

جنبش‌های زنان امریکایی در طول یک سده برای کسب حق رای نهایتاً در ۱۹۲۰ قانون فدرال حق رای بانوان به تصویب رسید



طبقاتی بیشتر مدنظر است تا برابری‌های نژادی یا حتی جنسیتی. با این حال آن‌ها برابری جنسیتی را هم زیرمجموعه‌ی برابری طبقاتی می‌دانند و باور دارند که نظام سرمایه‌داری به خودی خود استقلال بیشتری به مردان می‌دهد و زن را محدود می‌کند چراکه نظام سرمایه‌داری بر پایه‌ی جهان صنعتی استوار است و این هم یک حقیقت است که مردان از همان اوایل انقلاب صنعتی نقش بیشتری در موضوع صنعت داشته‌اند و زنان در خانه‌هایشان محبوس مانده‌اند. دسته‌ی دیگر نظریات **کارکردگرایانه** هستند.

نظری در رابطه با تبیین نابرابری جنسیتی در رویکردهای **فمینیستی** بر محور پدرسالاری، ستم جنسیتی و تقسیم کار جنسیتی است. اگرچه مدرسالاری در ایران ترک خورده‌است اما همچنان زنانی وجود دارند که در ثبت و فعل بودن مدرسالاری نقش دارند. این‌گونه خانواده‌ها نقش‌های جنسیتی را به فرزندان خود آموختند و باز تولید آن صورت می‌گیرد. در نتیجه، کودکان چنین می‌پندارند که نابرابری امری طبیعی است و باید وجود داشته باشد.

مورد بعدی **مارکسیست‌ها** هستند. در نظر آن‌ها برابری

زنان نیز احراز شود و حاکم باشد رد می‌کنیم.

جامعه و فرهنگ نابرابرپرورد

هر چند از لحاظ قانونی محدودیتی برای ریاست جمهوری زنان وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد همچنان جامعه‌ی ایران از لحاظ فرهنگی آمادگی پذیرش چنین رویدادی را ندارد. یکی از علل وجود این چالش به خاطر آن است که جامعه‌ی ایران مفهوم برابری را ندانسته انکار می‌کند. **نابرابری جنسیتی در سه دسته از نظریات بررسی می‌شود:** اول نظریات فمینیستی است و محور اصلی بحث‌های

زنانی گه تا امروز در کشورهای مسلمان به ریاست دولت رسیدند.

	بی نظیر بیتو نخست وزیر پاکستان	۱۹۸۸ سپتامبر ۲ ۱۹۹۰ آگسٹ ۶	
	خلیده زیا نخست وزیر بنگلادش	۱۹۹۱ مارس ۲۰ ۱۹۹۶ مارس ۳۰	
	تانسو چیلر نخست وزیر ترکیه	۱۹۹۳ زوون ۲۵ ۱۹۹۶ مارس ۶	
	شیخ حسینه نخست وزیر بنگلادش	۱۹۹۶ زوون ۶ ۱۹۹۷ جولای ۱۵ هم‌اکنون (پس از رسان)	
	مامی مَدیور بویه نخست وزیر سینگال	۲۰۰۱ مارس ۳ ۲۰۰۲ نوامبر ۴	
	مگاواتی سوکارنوپُتری رئیس جمهور اندونزی	۲۰۰۱ جولای ۲۳ ۲۰۰۴ اکتبر ۲۰	
	روزا آتنبايوا نخست وزیر قرقیزستان	۲۰۱۰ آپریل ۷ ۲۰۱۱ دسامبر ۱	
	عاطفه جاهجاگا رئیس جمهور کوزوو	۲۰۱۱ آپریل ۷ ۲۰۱۶ آپریل ۷	
	سیبل سیبر نخست وزیر قبرس شمالی	۲۰۱۳ زوون ۱۳ ۲۰۱۳ سپتامبر ۲	
	امیناتا توره نخست وزیر سینگال	۲۰۱۳ سپتامبر ۳ ۲۰۱۴ جولای ۸	
	حليمه يعقوب رئیس جمهور سنگاپور	۲۰۱۷ سپتامبر ۱۴ هم‌اکنون	
	سامیا سولوهو رئیس جمهور تانزانیا	۲۰۱۷ مارس ۱۹ هم‌اکنون	
	ویوسا عثمانی رئیس جمهور کوزوو	۲۰۲۱ آپریل ۴ هم‌اکنون	
	سیسی مریم کایدا نخست وزیر مالی	۲۰۱۱ آپریل ۳ ۲۰۱۲ مارس ۲۲	

کارکردگرایان باوری عمیق دارند که زن و مرد نیز عضوی از ارگانیسم جامعه هستند و هر کدام با نقش‌هایی که برای آن‌ها مشخص شده می‌توانند به حیات جامعه کمک کنند. در نتیجه، آن‌ها زن و مرد را تنها با توجه به صفات فیزیکی‌شان مورد قضاوت قرار می‌دهند. برابری خواهی دیگر همانند زمان مشروطه یک آرزو نیست، بلکه یک جنبش اجتماعی پرقدرت است. برای آن‌که جامعه از لحاظ فرهنگی آماده شود تا برابری را بپذیرد، می‌توان در عمل اجتماعی روزانه قوانین ناعادلانه را انکار کرد. در این صورت بهره‌گیری از قانون بلا موضوع می‌شود. به نسبتی که جامعه قوانین را انکار کند، مجریان و ضابطین آن عقب‌نشینی کرده و قوانین کارکردی خواهند داشت. مثلاً امروزه شاهد آن هستیم که برخی از خانواده‌ها ازت را به صورت برابر میان دختران و پسران خود تقسیم می‌کنند. جنبش‌های اجتماعی نیز باید تصمیم بگیرند که کجا قوانین را رعایت کرده و کجا را رعایت نکنند تا در این امر کمک‌کننده باشند. هر کس در جای خود باید راه کار مناسب را در پیش بگیرد.

سرخوردگان آینده ساز

موانعی که بر سر راه زن‌ها وجود دارد شامل موانع شخصی همچون چندگانگی نقش‌ها شامل مادر بودن، همسر بودن، خانه‌دار بودن و... موانع ساختاری و سازمانی همچون شبکه‌ی ارتباطی غیررسمی مردانه و درنهایت موانع اجتماعی مانند تفکرات غالباً سنتی جنسیتی و عدم حمایت قانونی و اجتماعی است. این موانع باعث شده

رشد مردم جامعه را به دنبال دارد.

چه باید کرد؟

اولین گام برای آن که حضور زن‌ها در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری حکومت تضمین شود، تربیت درست دختران و ایجاد باورهای صحیح در ذهن آن‌ها است. البته تاثیر دیدگاه مردان نسبت به زنان را نیز نباید نادیده گرفت. والدین باید بکوشند تا پسرانی تربیت کنند که زنان و توانمندی‌های آنان را بپذیرند. و برای آن‌ها ارزش قائل باشند. همچنین در کانون قدرت و ثروت قرار گرفتن زنان نباید برای آن‌ها عجیب و ترسناک باشد! حمایت مردان از زنان جز بانابود کردن برچسب‌های جنسیتی میسر خواهد بود.

در مرحله‌ی بعد باید آموزش و اشتغال زنان را تامین کرد. این دو عنصر تاثیراتی دوسویه نسبت به یکدیگر دارند. تحصیل زنان به اشتغال آنان کمک می‌کند و هنگامی که زنان از لحاظ مالی مستقل شوند، فرصت‌های تحصیلی را درمی‌یابند و با این مزیت جایگاه اجتماعی خود را در سطح جامعه بالا می‌برند. از طرفی دیگر، هر اندازه که موقعیت اجتماعی و سطح تحصیلات افراد بالاتر باشد، به حضور و فعالیت در فضای سیاسی بیشتر علاقه‌مند می‌شوند. یکی از معیارهای سنجش صلاحیت‌های سیاسی افراد، سطح تحصیلات آن‌ها است. زان دورماگن (Jean-Yves Dormagen

درونسی خواهد شد. در این حالت زن به محیط خانه و پرورش کودک و دنیای مردان به پول و سیاست محدود می‌شود. چنین خانواده‌ای افراد افسرده و سرخورده‌ی آینده را پرورش می‌دهد و این افراد افسرده آینده‌ی کشور را شکل می‌دهند!

چالش بر سر پذیرش یک اصل بدیهی!

بر تمام مردم جهان اثبات شده‌است که زنان و مردان مکمل یکدیگر هستند و اگر زنان همچون مردان فضای ورود به سیاست را داشته باشند و مورد تشویق و پاداش قرار بگیرند، کیفیت حکومت‌داری دو چندان خواهد شد چراکه زنان اهمیت خاصی برای مسائلی بنیادین همچون بهداشت مادر و فرزند، حفظ محیط زیست، بهبود سیستم آموزش و پرورش، مقابله با فساد، مبارزه با رانت‌خواری و صلح‌طلبی قابل هستند و قطعاً برنامه‌های آنان مکمل برنامه‌های مردان خواهد بود. افزون بر این نباید فراموش کرد که تغییر وضعیت کنونی زنان در جامعه از معیارهای تحقق حکمرانی است که به آزادی‌های اساسی، دموکراسی و حقوق بشر معتقد است. نابرابری جنسیتی در کسب سمت ریاست جمهوری پیامدهایی همچون گسترش تبعیض در جامعه، احساس سرخوردگی و تحقیر برای زنان، عدم رضایت از زندگی، اختلال سلامت روان، کاهش منزلت اجتماعی زنان و همچنین تاثیر منفی بر عملکرد و

تا برخی بیندارند که زن‌ها فاقد صلاحیت اجرایی هستند. آن‌ها این توهمند خود را با استدلالاتی نادرست همچون **غلبه‌ی همیشگی احساسات بر عقل زن و ناتوانی جسمی و تعقلی آن‌ها توجیه می‌کنند**. این باور غلط سبب گردید تا زنان برای تصدی مناصب سیاسی ناتوان گردند و با دلایلی سطحی از حقوق اجتماعی‌شان محروم شوند درحالی که کنار گذاشتن زنان برای مدتی طولانی است که باعث شده آنان از تجربه و حمایت‌های سیاسی و حزبی کافی محروم باشند نه این‌که لزوماً توانایی و قابلیت تصدی مناصب سیاسی را ندارند! همان‌طور که امروزه شاهد هستیم، زنانی که در خانواده‌هایی محافظه‌کار و پدرسالار قد کشیده‌اند برای رشد و پرورش با موانع بسیاری روبرو هستند. خانواده‌های سنتی که بخش عمده‌ای از جامعه‌ی ایران را تشکیل می‌دهند بر این باورند که زن تنها باید در بطن خانواده حضور داشته و در خدمت آن باشد. تحمیل این باور بر دختران این‌گونه خانواده‌ها باعث می‌شود که زنان عمیقاً و اساساً نسبت به مردان از لحاظ پایگاه‌های سیاسی، اجتماعی و حقوقی احساس نابرابری کرده و در درون خویش دچار سرخوردگی، نامیدی و نارضایتی از جنسیتشان باشند. اگر این زنان آرزوهای شغلی و آینده درخشن خود را در کسب مناصب سیاسی ببینند، شرایط فعلی سبب فروریختن کاخ آرزوهایشان و درنتیجه ایجاد ترس و خشمی

جامعه در گرو استفاده بهینه از تخصصها و ظرفیت‌های موجود در زنان و مردان آن جامعه است. برای آن که بتوان مسیر رسیدن به ریاست جمهوری را برای زنان هموار کرد، در ابتدا باید شرایط کسب تحصیلات و علم کافی را برای آنان رقم زد تا بتوانند در جامعه و بهویژه در جامعه سیاسی حضور پیدا کنند. در این صورت، شرط شخصیت سیاسی داشتن را به دست می‌آورند. در این راستا می‌توان قوانین استخدامی عدالت محور و ایجاد فرصت‌های عادلانه و برابر را مدنظر قرار داد. اصلاح قوانین و مقررات بر اساس عدالت جنسیتی و تامین ضمانت اجرای قانون (تبیین مثبت) و همچنین آموزش در جهت تغییر باورهای کلیشه‌ای و توجه به شایسته‌سالاری کارساز است. باید از ظرفیت آموزش و پرورش و رسانه در جهت تغییر باورها و نگرشا و توجه به شایسته‌سالاری در مقابل مردسالاری و اعتقاد به برتری مردانه به عنوان راه کار کاهش نابرابری اجتماعی استفاده کرد. **البته** نباید فراموش کرد که ملاک سنجش یک حکومت کارآمد تعداد حضور زن‌ها در نظام سیاسی آن کشور نیست، بلکه معیار حضور افراد بر اساس شایستگی آن‌ها است که زن و مرد ندارد. امید است روزی شاهد ریاست جمهوری **رجل‌های زن** شایسته در جمهوری اسلامی ایران باشیم!

راهکار دیگر مربوط به عملکرد حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی کشور است. اگر حزب‌ها سهمیه‌ای قابل قبول برای حضور زنان در نظر بگیرند و آن‌ها را حمایت کنند، قطعاً شاهد حضور زنان در کسب مناصب سیاسی خواهیم بود. ایجاد ستادهای انتخاباتی برای زنان و معرفی کاندیداهای زن به‌طور گسترده توسط احزاب می‌تواند برای تحقق این هدف کمک کننده باشد.

به نقش رسانه‌ها در تولید محتواهایی با هدف ایجاد دیدگاه‌های مثبت درخصوص ریاست جمهوری زنان از طریق آموزش عمومی شهرنشان نیز باید توجه شود. رسانه‌ها می‌توانند این مسئله را عادی‌انگاری کنند و از تسهیلاتی که می‌توان برای تحقق این امر در نظر گرفت سخن بگویند. همچون بیان تسهیلاتی درباره بچه‌داری، این مورد می‌تواند کار زنان را سبک‌تر کرده و تمرکز آن‌ها را برای کسب مقام ریاست جمهوری افزایش دهد.

و در پایان...

در نهایت، برای آن که حضور زنان در جامعه و اشتغال آنان خارج از خانه افزایش یابد، باید تا جایی که امکان دارد آن‌ها را باسوساد کرد. امروزه هرگونه دفاع از حقوق نابرابر میان زنان و مردان قبل قبول نیست و استدلال‌های سنتی دیگر اثربخشی ندارند. چنان‌چه زن از حقوق ابتدایی خود در جامعه محروم باشد، دستیابی به توسعه‌ی پایدار و پیشرفت نیز محقق نخواهد شد. موقفيت و پیشرفت در هر

مبانی جامعه‌شناسی سیاسی^{۹)} خود به نتایج یک نظرسنجی اشاره می‌کند که طبق آن نسبت علاقه‌مندان به سیاست بین افرادی که سطح تحصیلی پایین‌تر از دبیرستان دارند ۳۶ درصد و در میان افرادی که دارای مدرک دیپلم و بالاتر هستند ۵۱ درصد بوده‌است. تحصیل و اشتغال زنان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تجربه، آگاهی و درگیری آن‌ها را با معضلات عمومی جامعه افزایش داده و آنان را برای کسب مناصب سیاسی آماده می‌کند.

مورد بعدی اصلاحات بنیادینی است که باید در زمینه اصلاح قوانین ضد زن و ضد حقوق بشر صورت بگیرد. هرگاه قواعد الزام‌اور و رسمی می‌شوند، آگاهی‌ها نسبت به این قواعد و تبعان آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت. هرچند اصلاح قوانین به تنها ی نمی‌تواند جایگاه حرفة‌ای و شغلی زنان را ارتقاء دهد اما نباید تاثیرات این اصلاحات را در کمتر شدن اختلاف‌ها بین قدرت و جایگاه سیاسی زنان و مردان نادیده گرفت. تصویب قوانینی که بی‌سوادی را میان زنان ریشه‌کن کند به همراه ضمانت اجراهایی معقول می‌تواند راه‌گشا باشد. افزون بر این، افزایش آگاهی و علم سیاسی زنان، ایجاد تساوی میان حقوق اجتماعی زنان و مردان و نابودی بی‌عدالتی‌ها علیه زنان در قانون مدنی ایران نیز مطرح است.

۹) Introduction à la sociologie politique - Dormagen, Jean-Yves